4شنبه 28/1/1404-18شوال 1446-17آوریل 2025-درس128فقه رهبری سازمانی –شرائط و مدانع – اخلاص وشوب- ادراک و نگرش مخلصانه و مشوبانه منشاء رفتار سازمانی مخلصانه و مشوبانه .

مساله118: مدیران در مقام ادای وظیفه رهبری سازمانی موظفند که ادراک و نگرش توحیدی به محیط وسازمانی داشته باشند تا رفتار سازمانی آنان توام با اخلاص و بدور از هر نوع شانبه آلوده کننده عمل و نیت باشد و در کارکنان و پیروان ایجاد انگیزش نمایند مثلا رضایت از شغل خود را رضایت از خدای شغل آفرین بدانند و رضایت مافوق از خود را رضایت خدا بدانند که این مدیر را نصب و از من راضی نموده است .

***شرح مساله***: معلوم شد که شوب ضد اخلاص است به معنای خلط و آلودگی در عمل و نیت وهدف و...رضایت غیر خدا حتی خود را از عمل سازمانی و نیت آن دخیل کردن .شوب نوعی شرک عملی است مثل کفران که کفر عملی نسبت به نعمات ربوبی است فعل مشوب فعل مخلوط و آلوده است وشائبه ،عنصر آلوده کننده است که مانع از اثر بخشی رهبری سازمانی در ایجاد انگیزش است .هرچه درجه آن بالاتر باشد مانعیت آن بیش تر میشود مساله این است که چرا کسب رضایت مافوق ضد اخلاص و مانع اثر بخشی رهبری سازمانی مدیر است ؟ و همین طور رضایت ارباب رجوع و ابواب جمعی سازمان؟ در حالیکه فرهنگ سازمانی حاکم کسب رضایت نامبر دگان است . اگر کارمندی کارش را بهبود ببخشد تا مافوق خود را راضی کند و او را خوشحال کند و یاسطح کمی و کیفی خدمات به مشتریان را ارتقاء دهد تا آنها را راضی کند و در نتیجه باعث رونق تولید وبازار آن شود و ضمنا مافوقش هم راضی شود چه منافاتی با اخلاص دارد ؟ در پاسخ باید گفت که :" رضوان من الله اکبر" [[1]](#footnote-1)یعنی کسب رضایت الهی در امور بزرگتر است و در راس همه رضایت هاست . نفی رضایت های دیگر نمیشود یعنی از همه نعمات دنیوی و اخروی نعمت رضوان، اکبر است هیج نعمتی نضارتی مثل رضوان نمی آورد . آنهم رضوانی دو طرفه :" رضی الله عنهم ورضوا عنه" [[2]](#footnote-2)یعنی رضایت عبد از خدا و رضایت خدا از عبد .رضایت شغلی هم میتواند در راستای رضایت از خدا تفسیر شود زیرا منشاءاین شغل را خدا میدانم خدا مرا در این شغل مشغول کرده است که خود نوعی و شاخه ای از توحید افعالی است . او مرا به این رده و شغل رسانده است کما این که در عرف متشرعه است که مرجعیت یک منصب است که موهبت الهیه است .اتفاقا اگر دیگران درموقعیت سازمانی موثر بدانیم منافات با توحید افعالی دارد . توحید و اخلاص یعنی از شغلم راضی هستم یعنی از خدا راضی هستم که برای من موقعیت خدمت را فراهم کرده است نه حزب وباند ورانت و شایستگی های من و....اتفاقا توحید به این معنا ست که من بدون شایستگی و استحقاق این منصب را به دست آورده ام لقوله تعالی حاکیا عن یوسف ع :" رب قد اتیتنی من الملک"[[3]](#footnote-3) لذا “رضوا عنه” باطلاقه شامل هر نوع رضایت میشود رضایت از مدیر ،رضایت از شغل،رضایت از سازمان ،رضایت از حقوق و مزایا و..... و منافاتی با اخلاص به عنوان کمال توحید ندارد و باعث رضایت خدا از من میشود . این رضایت دوسویه :"راضیه مرضیه " [[4]](#footnote-4) مطلق است یعنی هرنوع رضایتی را در سازمان و از سازمان شامل میشود اطلاق شمولی دارد .از خدا راضی ام یعنی از شغلم راضی ام از مافوقم راضیم و.. وهمین رضایت ها است که عامل رشد من در سازمان است وقتی من از خدا راضی هستم خداوند هم از من راضی میشود یعنی سازمان و روسا را از من راضی میکند کما مر . لذا لازمه اخلاص این است که منشاء هر رضایتی را رضایت و مرضات ورضوان ربوبی بدانم از او راضی هستم واو از من راضی است . حال در این وسط ممکن است که وسائط و وسائل زیادی هم دخیل باشند مثلا مدیر من مسئول من از من راضی است و من هم از او راضی هستم این رضایت دوسویه میتواند مصداق شوب یا مصداق اخلاص باشد بسته به شخصیت ،نگرش[[5]](#footnote-5) و ادراک[[6]](#footnote-6) من از محیط و سازمان دارد . مدیر از من راضی است را اینگونه ادراک کنیم که خدا او را از من راضی کرده است چون قلب او در تصرف خدا است . و من از مدیرم راضی هستم را هم این گونه تفسیر کنم که خدا چنین مدیری را نصیب من کرده است .اتفاقا منشاء رفتار سازمانی را ادراک ،شخصیت و نگرش میدانند که باعث میشود رفتار به هنجار یا نابهنجار شود در سازمان .مثلا این ادراک که منشاء موقعیت و پیشرفت ورشد من در سازمان ، خداوند است و و دیگران وسیله هستند و واسطه . این ادراک باعث میشود که رفتار من توام با اخلاص با کمترین شوب باشد رفتار مخلصانه باشد و در پیروان من حین انجام وظیفه رهبری ام ، ایجاد انگیزش کند یعنی رهبری مرا اثر بخش کند و به عکس اگر خدا را در محدوده اداراکی ام از دور خارج کنم و غیر او را موثر در موقعیت سازمانی وشغلی ام بدانم این شوب کامل است و رفتار سازمانی مرا مشوبانه میکند که در پیروان من اثر غیر توحیدی میگذارد که به انگیزش متعالی منجر نمیشود و فافهم و تدبر. لذا اخلاص وشوب درفعل سازمانی منوط به شخصیت ،نگرش و ادراک من دارد که رفتار مرا مخلصانه یا مشوبانه میسازد . در نتیجه من از مافوقم راضی ام درپرتو یک ادراک میشود عین توحید اگر مافوقم را منصوب خدا بدانم که بالادست من قرارش داده به مصلحت من و رضایت خودش . وپرتو یک ادراک میشود مصداق شوب وشرک که خدا در نصب او تاثیر نداشته است و مصلحت من را لحاظ نکرده است . و هم چنین خدا از من راضی است یعنی مدیرم از من راضی است یعنی خدا اورا از من راضی کرده است این عین اخلاص و اوج آن یعنی توحید است ولی اگر بگویم عملکرد من وکارنامه و کارنمای من او را از من راضی کرده است مستقلا این یک ادراک مشوب است . خیلی مرز ها دقیق است مرز بین توحید و شرک و بین اخلاص وشوب .

تفقه :از آنجا که اخلاص واجب است عقلا و نقلا وشوب حرام است شرعا و عقلا کما مر پس ادراک و نگرش سازمانی من هم باید توحیدی باشد یعنی خدا را منشاء موقعیت سازمانی وشغلی خود بدانم و نگرش توحیدی داشته باشم به امور یعنی همه پیشرفت های سازمانم را ناشی از رضایت و اراده او بنگرم . تا این ادراک و نگرش توحیدی از من شخصیت مخلص بسازد که رفتار سازمانی ام را عاری از هر شائبه و آلودگی نماید و این رفتار در جان پیروان اثر مثبت میگذارد فطرة پس ادراک و نگرش توحیدی به عنوان پشتوانه رفتار سازمانی مخلصانه محکوم به وجوب میشود به عکس ادراک و نگرش غیر توحیدی که لازم الاجتناب است . نگرش و ادراک از افعال اختیاری و قابل تغییر است[[7]](#footnote-7) [[8]](#footnote-8)[[9]](#footnote-9) از غیر توحیدی به توحیدی وبالعکس این تغییرات در تغییر رفتار موثر است .

 فتحصل : مدیران در مقام ادای وظیفه رهبری سازمانی موظفند که ادراک و نگرش توحیدی به محیط وسازمان داشته باشند تا رفتار سازمانی آنان توام با اخلاص و بدور از هر نوع شانبه آلوده کننده عمل و نیت باشد و در کارکنان و پیروان ایجاد انگیزش نماید مثلا رضایت از شغل خود را رضایت از خدای شغل آفرین بداند و رضایت مافوق از خود را رضایت خدا بدانند که این مدیر را نصب وراضی از من نموده است ..

1. التوبة : 72 وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ جَنَّاتٍ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها وَ مَساكِنَ طَيِّبَةً في‏ جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ

خداوند به مردان و زنان با ايمان باغهائى از بهشت وعده داده كه نهرها از زير [درختان‏] آنها جارى هستند جاودانه در آن خواهند ماند و مسكن‏هاى پاكيزه‏اى در بهشتها [نصيب آنها ساخته‏] و رضا [و خشنودى‏] خدا [از همه اينها] برتر است و پيروزى بزرگ همين است. [↑](#footnote-ref-1)
2. التوبة : 100 وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهاجِرينَ وَ الْأَنْصارِ وَ الَّذينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْري تَحْتَهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها أَبَداً ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ

المجادلة : 22 لا تَجِدُ قَوْماً يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كانُوا آباءَهُمْ أَوْ أَبْناءَهُمْ أَوْ إِخْوانَهُمْ أَوْ عَشيرَتَهُمْ أُولئِكَ كَتَبَ في‏ قُلُوبِهِمُ الْإيمانَ وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

البينة : 8 جَزاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها أَبَداً رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ [↑](#footnote-ref-2)
3. يوسف : 101 رَبِّ قَدْ آتَيْتَني‏ مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَني‏ مِنْ تَأْويلِ الْأَحاديثِ فاطِرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ تَوَفَّني‏ مُسْلِماً وَ أَلْحِقْني‏ بِالصَّالِحينَ

پروردگارا بخش (عظيمى) از حكومت به من بخشيدى و مرا از علم تعبير خوابها آگاه ساختى توئى آفريننده آسمانها و زمين و تو سرپرست من در دنيا و آخرت هستى مرا مسلمان بميران و به صالحان ملحق فرما. [↑](#footnote-ref-3)
4. الفجر : 28 ارْجِعي‏ إِلى‏ رَبِّكِ راضِيَةً مَرْضِيَّةً به‏سوى پروردگارت بازگرد در حالى كه تو از او خشنودى و هم او از تو خشنود است. [↑](#footnote-ref-4)
5. هر نوع بیان نظر در مورد یک شیء یا یک فرد یا یک رویداد که در آن **قضاوت**و **ارزیابی** نهفته باشد (مستقل از مثبت یا منفی بودن آن) نگرش نامیده می‌شود. [↑](#footnote-ref-5)
6. #####  [**شخصیت**](https://mjtajik.com/personality/)**:**

واژه شخصیت (personality)، از واژه یونانی persona گرفته شده است که به معنی ماسکی بود که در یونان باستان بازیگران بر صورت می گذاشتند و هنوز نیز نمادی برای تئاتر به حساب می آید.

شخصیت به ویژگی‌ها، الگوهای رفتاری، احساسات و افکار ثابت یک فرد اشاره دارد. این ویژگی‌ها و الگوها ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی چون فرهنگ، محیط، تجربیات زندگی، و وراثت قرار بگیرند. شخصیت از جنبه‌های مختلفی می‌تواند توسط مدل‌های مختلف روان‌شناسی توصیف شود، از جمله مدل پنج عاملی (همچون نورتون مک‌کری و کاستا مک‌ری) که به فاکتورهایی چون همخوانی، کمال‌گرایی، استقلالیت، و حساسیت به نوعی تقسیم می‌شوند.

**ادراک:**

ادراک به توانایی فرد برای درک و تفسیر اطلاعات حسی اشاره دارد. این شامل پردازش اطلاعات از طریق حواس حسی مانند بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه و چشایی است. ادراک تحت تأثیر تجربیات گذشته، معرفت‌ها، معتقدات و فرهنگ فرد قرار می‌گیرد. ادراک می‌تواند موجب شود که دیدگاه و تفسیر فرد از واقعیت با واقعیت مطابقت نداشته باشد. [↑](#footnote-ref-6)
7. تغییرپذیری: ادراک تحت تأثیر تجارب فرد و یادگیری‌های جدید قرار می‌گیرد و ممکن است در طول زمان تغییر کند.
تعامل با محیط: ادراک نحوهٔ فهم و تفسیر فرد از محیط اطراف و اطلاعاتی که از محیط دریافت می‌کند را نشان می‌دهد. [↑](#footnote-ref-7)
8. [↑](#footnote-ref-8)
9. نگرش، تأثیر مستقیمی بر اخلاقیات، عملکرد، حرکات و روش زندگی­‌مان می‌­گذارد. پس مهم است که آن را به سمت مثبت بودن و افکار خوب سوق دهیم تا مبادا خودمان با دست خودمان لحظات شاد را تباه کنیم. خبر خوب اینکه نگرش با تمرین و تکرار قابل تغییر است و [کارلیب](https://karlib.com/) در این مقاله به شما خواهد گفت که چگونه نگرش خود را تغییر دهید. [↑](#footnote-ref-9)